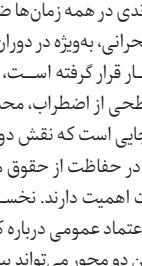


یادداشت

قدرت نرم حکمرانی در گرو رعایت حقوق شهروندی



حمید رضا اکبرپور*

توجه به حقوق شهروندی در همه زمان‌ها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، اما اهمیت آن در شرایط بحرانی، به‌ویژه در دوران جنگ و هنگامی که معیشت و اقتصاد جامعه تحت فشار قرار گرفته است، چند برابر می‌شود. در چنین موقعیت‌هایی جامعه با سطحی از اضطراب، محدودیت و ناطمینانی مواجه می‌شود و این دقیقاً همان جایی است که نقش دولت، نهادهای عمومی و حتی شرکت‌های بزرگ اقتصادی در حفاظت از حقوق مردم برجسته‌تر می‌شود. دو ستون اصلی در این وضعیت اهمیت دارند. نخست حمایت از افراد در شرایط اضطراب و دوم حفظ و ترمیم اعتماد عمومی درباره کارآمدی ساختارهای رسمی و غیررسمی. هرگونه خلل در این دو محور می‌تواند پیامدهای بلندمدت اجتماعی و اقتصادی به همراه داشته باشد. بدیهی است‌که جنگ، اتفاقات خود را دارد. محدودیت‌هایی بر برخی آزادی‌ها و فعالیت‌ها اعمال می‌شود؛ برخی تصمیم‌ها ناگهانی است و نظم عادی زندگی مختل می‌شود. با این حال این شرایط نمی‌تواند و نباید به معنای تعلیق تمام حقوق شهروندی یا بی‌توجهی به اصول اولیه انصاف و مسئولیت‌پذیری باشد. آنجا که محدودیت‌ها ناشی از ضرورت‌های امنیتی و مدیریت بحران باشند، جامعه معمولاً آنها را می‌پذیرد؛ اما هنگامی که به بهانه شرایط ویژه، برخی نهادها یا شرکت‌ها از زیر بار مسئولیت‌های خود شانه خالی می‌کنند، موضوع تبدیل به نقض حقوق شهروندی می‌شود و نشان‌دهنده خلل در تعامل عادلانه میان مردم و نهادهای اقتصادی است. نمونه محسوس و ملموس این مسئله را می‌توان در تجربه اخیر جنگ و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن مشاهده کرد. در این مدت، بسیاری از شهروندان با مشکلات عملی و روانی مواجه شدند اما در کنار آن، برخی شرکت‌های بزرگ که نقش مهمی در زندگی روزمره مردم دارند، نتوانستند به مسئولیت اجتماعی و حتی تعهدات قانونی خود پایبند بمانند. یکی از این موارد، عملکرد سایت‌های فروش بلیت اینترنتی در حوزه فروش بلیت هواپیماست که در عمل برای بسیاری از کاربران مسئله‌ساز شده است.

داستان از اینجا آغاز شد که در دهه اول اسفندماه، بسیاری از مردم، از جمله نگارنده این یادداشت، اقدام به خرید بلیت هواپیمای از طریق اسنپ کردند. همه چیز عادی و طبق روال معمول بود. اما حمله نظامی ایالات متحده و اسرائیل و آغاز درگیری‌ها سبب شد بخش مهمی از پروازها را لغو شود. لغو پرواز، واقعیتی بود که کسی نمی‌توانست آن را پیش‌بینی یا کنترل کند؛ اما نحوه مواجهه با آن، کاملاً در اختیار شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات قرار داشت. در چنین موقعیت‌هایی انتظار طبیعی از یک شرکت بزرگ و شناخته‌شده آن است که با شفافیت، سرعت عمل و رعایت حقوق مشتریان، فرایند بازپرداخت وجوه را انجام دهد یا دست‌کم مسیر پیگیری روشن و قابل اتکا فراهم کند. اما چیزی که در این تجربه اتفاق افتاد، به طور واضح فاصله زیادی با این انتظار داشت. با وجود گذشت افزون بر یک ماه از لغو پروازها، مبلغ بلیت هنوز به حساب مشتریان بازگشت داده نشده است. نهمتنها وجه بازپرداخت نشده، بلکه پاسخ‌گویی روشن و مسئولانه‌ای نیز ارائه نشده است. این در حالی است که خطا‌های متعدد و روزانه برای بازپرداخت بدهی ماهانه مشتریان از سوی سامانه پیامکی ارسال می‌شود و تأکید دارد که عدم بازپرداخت به‌موقع بدهی به شرکت، منجر به صدور جریمه دیرکرد برای مشتریان می‌شود. این وضعیت از سطح یک تأخیر ساده فراتر می‌رود و درواقع صدافی از نقض حقوق مصرف‌کننده و بی‌توجهی به حقوق شهروندی است. در شرایط بحران، شرکت‌هایی که از اعتماد عمومی استفاده می‌کنند و سهمی جدی در گردش اقتصادی کشور دارند، باید در دفاع از حقوق کاربران خود پیشگام باشند، نه اینکه به واسطه پیچیدگی‌های داخلی یا اولویت‌دهی به منافع کوتاه‌مدت، مردم را در باتلاکینی قرار دهند؛ آن‌هم زمانی که ما تجربه جنگ ۱۲ روزه را داشته‌ایم و بر حسب قاعده، باید پیش‌بینی‌های لازم صورت می‌گرفت. پیامد چنین رفتارهایی تنها محدود به همان پرداخت عقب‌افتاده نیست؛ بلکه لایه‌ای عمیق‌تر از پیامدهای اجتماعی را نمایان می‌کند. اعتماد عمومی، سرمایه‌ای نامید اما حیاتی است که هرگونه خدشه در آن ترمیم‌ناپذیر یا دست‌کم بسیار پرهزینه خواهد بود. هنگامی که شهروندان احساس کنند شرکت‌ها در حساس‌ترین شرایط پشت آنها نمی‌ایستند، نگاه مردم به این مجموعه‌ها تغییر می‌کند و رفتار مصرفی آنان نیز دست‌خوش تحول می‌شود. این بی‌اعتمادی به‌تدریج به بدنه دولت و نهادهای رسمی نیز سرایت می‌کند، زیرا مردم این رفتارها را بخشی از یک اکوسیستم منسجم اقتصادی و مدیریتی می‌بینند. در مقابل، پایبندی و مسئولانه به حقوق مشتریان، حتی در سخت‌ترین شرایط، می‌تواند کارآمدی ساختارها را برجسته‌تر کند و احساس همبستگی اجتماعی را افزایش دهد. در نهایت، ما در شرایطی زندگی می‌کنیم که بحران‌ها، چه داخلی و چه بین‌المللی، ممکن است تکرار شوند. آنچه اهمیت دارد، چگونگی آمادگی و رفتار ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در این زمان‌هاست. جنگ یا وضعیت اضطراری نمی‌تواند بهانه‌ای برای عدول از ابتدایی‌ترین حقوق مردم نباشد. این تجربه نشان می‌دهد که لازم است گفت‌وگویی جدی درباره مسئولیت‌پذیری شرکت‌های بزرگ، شیوه نظارت بر آنها و ضرورت اجرای دقیق قوانین حمایت از مصرف‌کننده شکل بگیرد. حفظ حقوق شهروندی نه یک امتیاز، بلکه بنیان اعتماد و انسجام اجتماعی است؛ بنایی که در سخت‌ترین لحظات باید بیش از همیشه از آن محافظت شود.

حاشیه‌ظریف بر مقاله

ازاین‌رو افرادی که مطالعات تاریخی و نتایج تصمیم‌گیری‌های مسئولان در طول تاریخ را مطالعه کرده‌اند، در اطمینان به تصمیم‌ها مردد می‌شوند و طبعاً نمی‌توانند در امر تصمیم‌گیری‌های مسئولان دچار تردید شوند و تنها اطلاعات دقیق از طرف مقابل و روشن‌بینی می‌توانند ملاک عمل قرار گیرد؛ ملاک عملی که به آرزوها محدود نشود، بلکه بر حقایق در ابعاد مختلف تکیه داشته باشد. فراموش نشود که در هر شرایطی باید همه ابعاد نظامی، انسانی و اجتماعی به‌درستی سنجیده شود. اگر فرد یا افرادی حسب موقعیتی که رسانه به طرز مخصوصی سخن می‌گویند، دلیل حقانیت‌نداشتن در قریب نیست و اتخاذ تأتیک‌های کوتاه‌ازجمله رسانه‌ای، از ضروریات است، والا حرف اول هر کشور برای ماندگاری، مقاومت و استقامت است و صد البته این مقاومت و استقامت باید در ابعاد مختلف در جامعه رعایت شود، وگرنه اصل مقاومت با سلخستگی اجتماعی و خوش‌بینی مغرط در زمان صلح و آرامش کاملاً متضاد است و این است که ما سال‌ها به آن دچار شده‌ایم و حال صرف‌نظر از هر آنچه افراد می‌گویند، تصمیم‌گیری با مسئولان عالی‌رتبه است، چراکه آنها از همه اطلاعات برخوردار هستند. به یاد داشته باشیم همان‌طور که در حریف در صحنه مبارزه ورزشی و به‌شدت مبارزه می‌کنند، اگر یک طرف احساس خستگی کند، باید بداند که طرف مقابل هم خسته شده است و در اراده او نباید تزلزل ایجاد شود. دست و بازوی رزمندگان ایران را بوسیده و پایداری مردم مقاوم کشورمان را می‌ستاییم.

عبدالرحمن فتح‌اللهی: سرانجام پس از ۴۰ روز نبرد نفس‌گیر و مقاومت ایران در دومین جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه کشورمان، منطقه وارد مرحله‌ای جدید شد؛ مرحله‌ای که با اعلام آتش‌بسی دوهفته‌ای و آغاز مسیر مذاکرات سیاسی همراه شده است. جنگی که از نخستین روزهای آغاز آن بسیاری از تحلیلگران درباره پیامدهای گسترده‌اش برای امنیت منطقه، اقتصاد جهانی و معادلات ژئوپلیتیکی هشدار می‌دادند، اکنون در نقطه‌ای ایستاده که به اعتراف خود ترامپ، «با پذیرش اصول و شروط ایران» وارد فاز سیاسی شده است. در این ۴۰ روز، میدان‌های نبرد از مرزهای ایران تا گستره‌ای از منطقه خاورمیانه کشیده شد و آنچه رخ داد، صرفاً یک درگیری نظامی محدود نبود؛ بلکه نبردی ترکیبی بود که هم‌زمان عرصه‌های نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک و رسانه‌ای را در بر گرفت. ایران و محور مقاومت از یک سو و ایالات متحده و اسرائیل از سوی دیگر، در یکی از پیچیده‌ترین مواجهه‌های منطقه‌ای سال‌های اخیر قرار گرفتند؛ مواجهه‌ای که اکنون با توافق بر سر یک آتش‌بسی موقت، وارد مرحله‌ای جدید شده است.

آنچه اهمیت این آتش‌بس را دوچندان می‌کند، نه صرفاً توقف موقت درگیری‌ها، بلکه چارچوبی است که برای مذاکرات آینده ترسیم شده است؛ چارچوبی که براساس گزارش‌ها بر پایه پیشنهادهای ۱۰ ماده‌ای ایران شکل گرفته و به موضوعاتی فراتر از یک آتش‌بسی ساده می‌پردازد؛ از امنیت منطقه و برنامه‌های گرفته تا تحریم‌های چند دهه‌ای علیه ایران. در چنین شرایطی، فضای سیاسی و رسانه‌ای ایران نیز وارد مرحله‌ای جدید شده؛ مرحله‌ای که در آن هم‌زمان دو روایت در حال شکل‌گیری است؛ از یک سو روایت «پیروزی در میدان و تثبیت آن در دیپلماسی» و از سوی دیگر تلاش برای تبدیل دستاوردهای نظامی به توافقی پایدار در میز مذاکره. در همین راستا نیز مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «آتش‌بس با پذیرش اصول کلی مدنظر ایران، ثمره خون رهبر شهیدمان خامنه‌ای بزرگ و دستاورد حضور همه مردم در صحنه بود. از امروز نیز همچنان کنار هم خواهیم ماند. چه در میدان دیپلماسی، چه در میدان دفاع، چه در صحنه خیابان و چه در عرصه خدمت‌رسانی».

آتش‌بس ۲هفته‌ای و آغاز مذاکرات در اسلام‌آباد

براساس گزارش منتشرشده از سوی ایسنا، ایران و ایالات متحده سه‌شنبه‌شب و بامداد چهارشنبه در مذاکراتی که با میانجیگری پاکستان انجام شد، بر سر یک آتش‌بس دوهفته‌ای توافق رسیدند. طبق این توافق، آتش‌بس از ساعت ۳:۳۰ بامداد چهارشنبه اجرایی شد و مقرر شد است که هیئت‌های مذاکره‌کننده دو کشور روز جمعه در اسلام‌آباد مذاکرات رسمی خود را آغاز کنند. به ادعای ایسنا ریاست هیئت مذاکره‌کننده ایران در این گفت‌وگوها برعهده محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، خواهد بود و هیئت ایرانیاتی نیز به ریاست جی‌تی ونس، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده، در این مذاکرات شرکت خواهد کرد. اما نتسبیم ما به نقل از یک منبع آگاه خبر داد که برخلاف خبر برخی رسانه‌ها مبنی بر قطعی‌شدن سرپرست تیم مذاکره‌کننده ایرانی، هنوز این موضوع نهایی نشده است. این منبع آگاه خاطرنشان کرد که دبیرخانه شورای‌عالی امنیت ملی و قوای سه‌گانه و دیگر مسئولان مرتبط کشور با یک جلسه‌ی ملاتاززند، در حال بررسی همه ابعاد و شرایط لازم درباره مذاکره هستند و به‌زودی در این زمینه اطلاع‌رسانی‌های رسمی انجام خواهد گرفت. این فرد خطاب به رسانه‌ها توصیه کرد که با توجه به حساس بودن شرایط، از گمانه‌زنی‌های نالازم و انتشار اخباری که واقعیت یا قطعیت ندارد، پرهیز کند. مسعود پزشکیان نیز در تماس تلفنی با شهباز شریف تأکید کرد که تهران در مذاکرات آتی اسلام‌آباد شرکت خواهد کرد.

در کنار گمانه‌زنی‌ها، آنچه این گفت‌وگوها را از بسیاری از مذاکرات پیشین متمایز می‌کند، سطح رؤسای هیئت مذاکره‌کننده و نیز چارچوب پیشنهادی ایران است که گفته می‌شود به‌عنوان مبنای آتش‌بس پذیرفته شده است. این چارچوب ۱۰ ماده‌ای تنها به موضوعات هسته‌ای محدود نمی‌شود و طیفی از مسائل راهبردی را در بر می‌گیرد؛ از امنیت منطقه‌ای و حضور نظامی آمریکا گرفته تا مسئله تحریم‌ها. براساس اطلاعات منتشرشده از سوی یک منبع آگاه، مهم‌ترین محورهای این طرح عبارت‌اند از توقف کامل هرگونه تجاوز به ایران و گروه‌های مقاومت همچنان، خروج نیروهای رزمی آمریکا از منطقه و استفاده‌نکردن از پایگاه‌ها برای حمله به ایران، عبور محدود روزانه کشتی‌ها از تنگه هرمز تحت پروتکل عبور امن، لغو تحریم‌های اولیه و ثانویه و همچنین تحریم‌های سازمان ملل. تأمین خسارات ایران از طریق ایجاد صندوق سرمایه‌گذاری، تعهد ایران به عدم ساخت سلاح هسته‌ای، پذیرش غنی‌سازی ایران از سوی آمریکا و مذاکره درباره سطح آن، مذاکره درباره پیمان‌های صلح منطقه‌ای، تسری اصل عدم تجاوز به همه متجاوزان علیه گروه‌های مقاومت، پایان یافتن قطع‌نامه‌های شورای‌حاکم و شورای امنیت درباره ایران. به گفته این منبع، این پیش‌ازاین طرح ۱۵ ماده‌ای آمریکا را رد کرده و اعلام کرده بود که هرگونه توقف جنگ تنها در صورت پذیرش طرح پیشنهادی تهران ممکن خواهد بود.

در نهایت نیز دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، اعلام کرد که واشنگتن طرح ۱۰ ماده‌ای ایران را پذیرفته است. ترامپ پس از اعلام آتش‌بسی در پیامی اعلام کرد «یک روز بزرگ برای صلح جهانی است. ایران می‌تواند روند بازسازی خود را آغاز کند.» او همچنین تأکید کرد که این آتش‌بس فرصتی دوهفته‌ای برای نهایی‌کردن توافق بلندمدت فراهم می‌کند. در همین حال، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، نیز در پیامی به نمایندگی از شورای‌عالی امنیت ملی از نخست‌وزیر پاکستان و فرمانده ارتش این کشور به دلیل تلاش‌های‌شان برای پایان دادن به جنگ قدردانی کرد و نوشت: «از برادر عزیز جانب شریف، نخست‌وزیر محترم پاکستان و جانب فیلد مارشال عباس صغیر، فرمانده محترم ارتش پاکستان، به خاطر تلاش‌های خستگی‌ناپذیر ایشان برای خاتمه جنگ در منطقه

«شرق» گزارش می‌دهد: روایت ۴۰ روز نبرد و مقاومت و آتش‌بسی که با شروط تهران رقم خورد

آتش‌بس با مَهر ایران



مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

مقاومت

«یک مذاکره ملی» و در امتداد میدان نبرد است و همه گروه‌ها، نخبگان و جریان‌های سیاسی باید از آن حمایت کنند. شورای‌عالی امنیت ملی به‌صراحت هشدار داده است که هرگونه اظهار نظر، تفرقه‌افکنانه یا تخریب روند مذاکرات می‌تواند به ضرر منافع ملی تمام شود. درواقع یکی از پیام‌های اصلی این بیانیه خطاب به فضای سیاسی داخلی است؛ پیامی که تأکید می‌کند در شرایط حساس کنونی، هیچ جریان سیاسی نباید مذاکرات را به محل نزاع و رقابت سیاسی تبدیل کند که مبادا تجربه‌های تلخ پیشین تکرار شود.

در کنار این‌س موارد، شش‌عام تأکید کرده آغاز مذاکرات به‌هیچ‌وجه به معنای خوش‌بینی به نتیجه آن نیست. در این بیانیه آمده ایران همچنان آماده ادامه نبرد است و اگر مذاکرات به نتیجه نرسد یا طرف مقابل تعهدات خود را نقض کند، پاسخ ایران فوری و قاطع خواهد بود. عبارت کلیدی در پایان بیانیه نیز دقیقاً بر همین موضوع تأکید دارد که «دست‌های ما روی ماشه است و به محض آنکه کوچک‌ترین خطایی از دشمن سر بزند، با قدرت کامل به آن پاسخ داده خواهد شد». به این ترتیب، پیام راهبردی روشن است: «دیپلماسی آغاز شده، اما در سایه قدرت نظامی و با حفظ آمادگی کامل نیروهای مسلح ادامه خواهد یافت».

از انتقادهای گسترده به ترامپ و نتانیاهو تا اذعان تحلیلگران به برتری راهبردی تهران

پس از اعلام آتش‌بس میان ایران و ایالات متحده و آغاز روند مذاکرات برای تثبیت آن، موجی از واکنش‌های سیاسی، دیپلماتیک و رسانه‌ای در سطح جهان شکل گرفت؛ واکنش‌هایی که از یک سو با استقبال گسترده از توقف درگیری‌ها همراه بود و از سوی دیگر با انتقادهای جدی از سیاست‌های دونالد ترامپ و اذعان برخی مقامات و تحلیلگران غربی به تقویت موقعیت راهبردی ایران در پی تحولات اخیر همراه شد. مجموعه این مواضع نشان می‌دهد پس از حدود ۴۰ روز درگیری در منطقه، فضای بین‌المللی به سمت حمایت از تثبیت آتش‌بس و حرکت به سوی راحل سیاسی تغییر کرده است.

در نخستین واکنش‌ها، سخنگوی دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد آنتونیو گوترش از اعلام آتش‌بس دوهفته‌ای میان ایران و آمریکا استقبال کرده است. به گفته او، دبیرکل سازمان ملل از همه طرف‌های درگیر خواسته است به تعهدات خود بر اساس قوانین بین‌المللی و شروط توافق آتش‌بس پایبند باشند. در اروپا نیز رهبران و مقامات مختلف از این تحول استقبال کردند. اماونل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، اعلام آتش‌بس را «خبر بسیار خوبی» دانست و تأکید کرد اجرای مفاد این توافق باید در سراسر منطقه رعایت شود. او همچنین گفت توافق آتش‌بس باید شامل لبنان نیز باشد تا ثبات منطقه‌ای به شکل کامل‌تری برقرار شود. هم‌زمان اتحادیه اروپا نیز از تلاش‌های دیپلماتیک برای دستیابی به این توافق حمایت کرد. کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، اعلام کرد در گفت‌وگو با وزیر خارجه پاکستان از نقش اسلام‌آباد در دستیابی به توافق آتش‌بس میان تهران و واشنگتن قدردانی کرده است؛ اقدامی که نشانده‌ای از نقش فعال پاکستان در کاهش تنش‌ها ارزیابی می‌شود. در ادامه این تحرکات دیپلماتیک، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران در تماس تلفنی با الینا والتون، وزیر خارجه فنلاند درباره تحولات منطقه‌ای و روابط دو جانبه گفت‌وگو کرد. هم‌زمان فردریش مرتس، صدراعظم آلمان، تأکید کرد اکنون هدف اصلی باید دستیابی به یک توافق پایدار و پایان دائمی جنگ در روزهای آینده باشد و برلین از تلاش‌های دیپلماتیک برای تحقق این هدف حمایت می‌کند.

پدرو سانچز، نخست‌وزیر اسپانیا نیز در واکنش به این تحولات گفت آنچه اکنون منطقه و جهان به آن نیاز دارند «دیپلماسی، مشروعیت بین‌المللی و صلح» است. در همین راستا یوهان وادفول، وزیر خارجه آلمان نیز هشدار داد ادامه جنگ می‌تواند پیامدهای خطرناکی داشته باشد و آتش‌بس باید نخستین گام در مسیر صلح پایدار باشد. کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا نیز با استقبال از آتش‌بسی که به گفته او «در مدت کوتاهی حاصل شده، اعلام کرد این توافق فرصتی برای آرامش در منطقه و جهان فراهم کرده است. او همچنین اعلام کرد برای حمایت از این روند و رازینی با متحدان منطقه‌ای به طور خاورمیانه سفر خواهد کرد و افزود لندن با شرکای خود برای حفظ آتش‌بس، تبدیل آن به توافقی دائمی و تثبیت امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز همکاری خواهد کرد. در کنار این مواضع دیپلماتیک، برخی تحلیلگران و مقامات غربی نیز ارزیابی‌هایی ارائه کردند که در بسیاری موارد به تقویت موقعیت ایران اشاره داشت. بن روز، دستیار سابق باراک اوباما، در تحلیلی نوشت حتی در بهترین سناریو، توافقی که ترامپ به آن رسیده نتیجه‌ای جز تثبیت کنترل ایران بر تنگه هرمز و ادامه دیپشات عوارض از کشتی‌های عبوری ندارد، در حالی که این تنگه بیش از آغاز جنگ نیز باز بوده است. او همچنین تأکید کرد این جنگ هزینه‌های سنگین اقتصادی و نظامی برای

تشرک و قدردانی می‌کنم». مسئول سیاست خارجی کشور ادامه داد «در پاسخ به درخواست برادرانه نخست‌وزیر پاکستان مندرج در توییت ایشان، و با توجه به درخواست آمریکا برای مذاکره در پیشنهاد‌های ۱۵ بندی آن کشور، و اعلام رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر پذیرش کلیات پیشنهاد‌های ۱۰ بندی ایران به‌عنوان مبنای مذاکره، بدین‌وسیله از طرف شورای‌عالی امنیت ملی ایران اعلام می‌کنم: ۱. چنانچه حملات به جمهوری اسلامی ایران متوقف شود، نیروهای مسلح قدرتمند ما نیز حملات دفاعی خود را متوقف می‌کنند. ۲. به مدت دو هفته تردد امن در تنگه هرمز در هماهنگی با نیروهای مسلح ایران و با نظرداشت محدودیت‌های فنی موجود مقدور خواهد بود». واکنش‌ها در منطقه نیز عمدتاً مثبت بود. وزارت خارجه عربستان سعودی و عمان از آتش‌بس استقبال کرده و از تلاش‌های پاکستان برای میانجیگری قدردانی کردند. عمان همچنین تأکید کرد که باید تلاش‌ها برای دستیابی به یک آتش‌بس دائمی ادامه یابد. وزارت خارجه مصر هم در واکنشی به آتش‌بس انجام‌شده عنوان کرد که ما از اعلام ترامپ مبنی بر تعلیق عملیات نظامی در منطقه استقبال می‌کنیم و این گام را یک تحول مثبت مهم در راستای آرامش می‌دانیم.

در کنار این تحولات، گزارش‌هایی نیز منتشر شده که براساس آن در چارچوب آتش‌بس، ایران و عمان اجازه خواهند داشت از کشتی‌هایی که از تنگه هرمز عبور می‌کنند، هزینه دریافت کنند؛ منابعی که گفته می‌شود برای بازسازی خسارات ناشی از جنگ استفاده خواهد شد. گفتنی است که عصر سه‌شنبه روسیه و چین به‌عنوان دو عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد هم پیش‌نویس قطع‌نامه‌ای را که از سوی بحرین درباره تنگه هرمز ارائه شده بود، وتو کردند؛ اقدامی که مانع از تصویب این طرح در شورای امنیت شد. بحرین در ماه آوریل ۲۰۲۴ ریاست ذره‌های شورای امنیت را برعهده دارد و این پیش‌نویس را با هدف رسیدگی به موضوع کشتیرانی در تنگه هرمز مطرح کرده بود. شورای امنیت روز سه‌شنبه برای بررسی و رأی‌گیری درباره این قطع‌نامه تشکیل جلسه داد، اما در نهایت به دلیل استفاده روسیه و چین از حق وتوی خود، این پیش‌نویس به تصویب نرسید.

براساس گزارش‌ها، در متن جدید این قطع‌نامه از کشورهایی که به استفاده از مسیرهای دریایی تجاری در تنگه هرمز علاقه‌مند هستند، خواسته شده بود برای تضمین امنیت کشتیرانی، تلاش‌های دفاعی خود را به شکلی هماهنگ و متناسب با شرایط انجام دهند. این در حالی است که در نسخه قبلی پیش‌نویس، به کشورهای عضو اعلام داده شده بود برای تأمین عبور و مرور کشتی‌ها در تنگه هرمز، حداقل به مدت شش ماه از «همه ابزارهای دفاعی لازم و متناسب» استفاده کنند. این بند بعداً با هدف کاهش احتمال وتوی روسیه و چین تغییر داده شد، اما با وجود اصلاحات انجام‌شده، این دو کشور همچنان با قطع‌نامه مخالفت کردند.

بیانیه شورای‌عالی امنیت ملی؛ تأکید بر پیروزی در میدان و احتیاط در مذاکره

در میانه این تحولات، شورای‌عالی امنیت ملی ایران با صدور بیانیه‌ای مفصل به تشریح نگاه رسمی جمهوری اسلامی به تحولات اخیر پرداخت؛ بیانیه‌ای که در آن تأکید شده است ایران در این نبرد به یک «پیروزی عظیم» دست یافته و ایالات متحده را مجبور کرده است اصول طرح ۱۰ ماده‌ای ایران را بپذیرد. در این بیانیه، آنچه در ۴۰ روز گذشته رخ داد، یکی از «سنگین‌ترین نبردهای ترکیبی تاریخ» توصیف شده است؛ نبردی که به گفته شورا با حضور گسترده مردم و نقش آفرینی نیروهای نظامی ایران و متحدان منطقه‌ای آن همراه بوده است.

در بخش‌های مختلف بیانیه، به سه ضرات واردشده به زیرساخت‌ها و نیروهای دشمن، ناکامی اهداف اولیه جنگ و درخواست‌های مکرر برای آتش‌بس از سوی طرف مقابل اشاره شده است. شورای‌عالی امنیت ملی همچنین اعلام کرده که تصمیم برای پذیرش آتش‌بسی موقت تنها پس از تحقق بخش مهمی از اهداف جنگی ایران اتخاذ شده است. با این حال، مهم‌ترین بخش بیانیه به پاراگراف‌های پایانی آن دیده می‌شود؛ جایی که به صورت مستقیم به مذاکرات پیش‌رو در اسلام‌آباد پرداخته شده است. در این بخش تأکید شده است که مذاکرات با ایالات متحده با «بی‌اعتمادی کامل» نسبت به طرف آمریکایی آغاز خواهد شد. به بیان دیگر، ورود ایران به مسیر دیپلماتیک به معنای اعتماد به واشنگتن نیست، بلکه صرفاً تلاشی برای تثبیت دستاوردهای میدان در عرصه سیاسی تلقی می‌شود. نکته مهم دیگر در این بخش، تأکید بر ضرورت حفظ وحدت ملی در داخل کشور است. شورای‌عالی امنیت ملی از مردم خواسته است که جنش‌های پیروزی و حضور در صحنه را ادامه دهند و فضای اجتماعی کشور همچنان بر محور انسجام و همبستگی ملی حفظ شود.

در همین راستا، بیانیه تصریح می‌کند که مذاکرات پیش‌رو